

عبور نیروهای عراقی از کارون و موقعیت آسیب‌پذیرشان با طراحی حساب‌شده و هماهنگی نیروهای نظامی ایران بالاخره بلای جان صدام شد. مهر ۶۰ عملیات ثامن‌الائمه علیه همین بخش از نیروهای عراقی انجام شد و بزرگ‌ترین شکست ارتش عراق از آغاز جنگ تا آن روز رقم خورد. شکست آن قدر واضح بود که دو، سه روز بعد ارتش صدام مجبور شد قبولش کند و گاردین انگلیس هم نوشت: «این شکست برای عراق بیش از یک عقب‌نشینی نظامی است، یک شکست سیاسی و نظامی است.» دو ماه بعد ایران پیروزی دیگری را در عملیات طریق‌القدس رقم زد. ماکس پری بازتاب پیروزی‌های ایران را در آمریکا چنین روایت کرده است: «ابتدای جنگ آمریکایی‌ها هیچ نوع نگرانی نداشتند، چون ارتش عراق در مراحل نخستین خوب عمل کرده بود و در سلسله عملیات نظامی در سراسر سال ۱۹۸۱ دست بالا را داشت. ولی از اوایل فوریه سال ۱۹۸۲ [پهمن ۱۳۶۰]، وضع به‌تدریج دگرگون شد. ویلیام کیسی، رئیس کل آژانس اطلاعات مرکزی آمریکا، در آن ماه گزارش‌هایی از جنگ ایران و عراق دریافت کرده بود که لرزه بر اندام اعضای عالی‌رتبه‌ی دستگاه سیاست خارجی آمریکا می‌انداخت. به گزارش کارشناسان سی‌ای‌ای حملات ارتش عراق علیه ایران با ناکامی متوقف شده بود و آرایش نظامی ارتش عراق - که بیش از حد لازم گسترش یافته بود - بسیار بد رهبری می‌شد. میدان جنگ به سلاح‌خانه‌ای تبدیل شده بود و علاوه بر این، به کیسی گزارش داده بودند که تلاش‌ها برای متحد کردن نیروهای کرد علیه دولت تهران با شکست مواجه شده است. در یک کلام، عراق ابتکار را در جنگ با ایران از دست داده بود و اینک پس از یک سال که ایران با حالت دفاعی می‌جنگید آماده‌ی آغاز تعرض متقابل می‌شد.»

وضع صدام خطرناک به نظر می‌رسید. کیسی با عجله پیشنهاد کرد که ایالات متحده با بغداد ارتباط اطلاعاتی برقرار کند و برای آغاز کار، یک هیأت عالی‌رتبه‌ی آمریکایی به عراق رفت و با صدام حسین ملاقات کرد. پس از گفت‌وگوهای طولانی با ملک‌حسین، شاه اردن، و فهد، ولی‌عهد پادشاه سعودی، صدام با این ملاقات موافقت کرد و ویلیام کیسی با بزرگان ابراهیم تکریتی، برادر ناتنی صدام و رئیس دفتر مرکزی اطلاعات عراق، در امان، پایتخت اردن، گفت‌وگو کرد. در آن ملاقات، کیسی گفت ایالات متحده مایل است با عراق روابط مستقیم اطلاعاتی برقرار کند تا مطمئن شود که عراق می‌تواند در برابر حمله‌های ایران ایستادگی کند. او سپس جزئیات برنامه‌اش را مطرح کرد. کیسی

Ⓧ ویلیام کیسی. سیاستمدار و مرد اطلاعاتی کهنه‌کار آمریکایی که از جنگ جهانی دوم فعالیتش را آغاز کرده بود و در اواخر دوران کاری‌اش رئیس سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا شد.



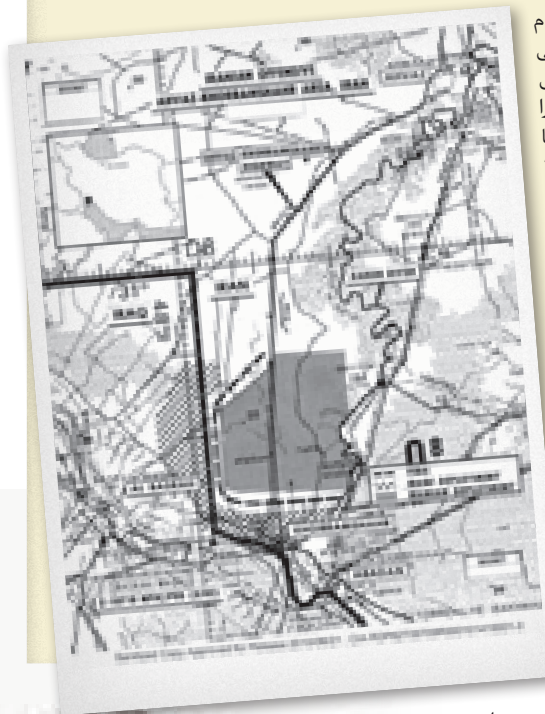
آمریکایی‌ها به دقت وضعیت خطوط مقدم جنگ را زیر نظر داشتند و در گزارش‌هایی که نقشه‌های دقیق و عکس‌های هوایی ضمیمه‌اش بود، موقعیت نیروهای دو طرف را به مقامات گزارش می‌کردند. این گزارش‌ها جنبه‌های مختلفی را پوشش می‌داد؛ معمولاً در ابتدا شرحی خلاصه از تحولات خطوط مقدم داشت و سپس جزئیات فعالیت‌های نیروهای زمینی، دریایی و هوایی دو طرف را شرح می‌داد. عمده‌ی این گزارش‌ها توسط سازمان NPIC (National Photographic Interpretation Center) تهیه می‌شد که زیر نظر سی‌ای‌ای فعالیت می‌کرد و وظیفه‌اش تهیه و ارائه‌ی عکس‌ها و نقشه‌هایی دقیق از نقاط مختلف، بنا به درخواست مقامات بود. گزارش‌هایی که از این سازمان در طول جنگ منتشر شده، نشان می‌دهد که آمریکایی‌ها از محل دقیق استقرار نیروها، تعدادشان و حتی نوع ادوات دو طرف مطلع بودند و بر اساس آن‌ها، حملات احتمالی را پیش‌بینی می‌کردند.

نقشه‌هایی را که سی‌ای‌ای از آرایش نظامی نیروهای ایرانی و عراقی تهیه کرده بود، مطرح کرد و توضیح داد که بر اساس آن‌ها کارشناسان آمریکایی عقیده دارند نیروهای ایران می‌توانند جلوی هر گونه حرکت عراقی‌ها را سد کنند.

### صدام در محاصره

ایرانی‌ها روی دور افتاده بودند و سرعت عملیات‌های پی‌درپی آن‌ها اجازه‌ی هرگونه طراحی موثر را از عراق گرفته بود. چند ماه پس از طریق‌القدس عملیات فتح‌المبین در ابتدای سال ۶۱ انجام شد. پس از سختی‌هایی که ایران در مرحله‌ی اول عملیات تحمل کرد، در مراحل بعدی، ارتش عراق در منطقه‌ی عملیاتی فتح‌المبین فروپاشید و ایران با سرعتی عجیب مناطق را آزاد کرد. در عراق، فاجعه‌ی شکست، جایگاه صدام را متزلزل‌تر کرد. افرایم کارش می‌نویسد: «عملیات فتح‌المبین بزرگ‌ترین عملیات تا آن روز جنگ

بود. در عملیات فتح‌المبین عراق تحقیرآمیزترین شکست از زمان شروع جنگ را متحمل شد. تقریباً سه لشکر خود را کامل از دست داد. گزارش‌ها نشان می‌داد که پانزده تا بیست‌هزار نفر هم اسیر داده است.» اما ترازوی تلخ برای صدام این بود که نزدیک بود به اسارت نیروهای ایران دربیاید. کان کاگلین در کتاب «صدام» از ظهور تا سقوطش» ماجرا را این‌گونه روایت کرده است: «شایعه‌ای در بغداد دهان به دهان پیچید مبنی بر این که صدام در حین حضورش در جبهه فاصله‌ی چندانی با اسیر شدن نداشته است. شایعه صحت داشت. کاروان خودروهای زرهی صدام



« ما به ایران این همه زمان دادیم تا زمین‌ها را بازگردانند، اما ایرانی‌ها بر اساس توافق آن را برنگرداندند. ما مجبوریم آن را با خون سربازانمان و با توسل به زور بازگردانیم... وقتی توانایی پس گرفتن چیزی که حق ماست را داریم، وارد عمل می‌شویم. هیچ وطن‌پرستی حقیقش را رها نمی‌کند. حالا ما شط‌العرب را داریم.»

صدام در دیدار با فرماندهانش؛ ۲۵ شهریور ۵۹.